روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸
توزیع: موسسه مطبوعاتی نشرگستر امروز نوین تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

روزنامه شرق

شنبه ۲۳ اسفند ۱۴۰۴ • ۲۴ رمضان ۱۴۴۷ • ۱۴ مارس ۲۰۲۶ • سال بیست‌ودوم • شماره ۵۳۴۶ • ۸ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۱۴ • اذان مغرب ۱۸:۲۹ • اذان صبح فردا ۴:۵۲ • طلوع آفتاب ۶:۱۵

گروهی از خبرنگاران خارجی و داخلی روز چهارشنبه از آثار تهاجم آمریکایی صهیونیستی به حریم تاریخی اصفهان بازدید کردند. در پی این تجاوز ساختمان استانداری اصفهان، عمارت رکیب‌خانه، تالار اشرف باغ‌موزه چهل‌ستون و... منتسب به دولت‌خانه صفوی آسیب جدی دیدند. عکس: کاظم قانع، ایرنا

instagram:sharghdaily1 twitter:sharghdaily youtube:sharghdaily Telegram:SharghDaily aparat:tasvirshargh www.sharghdaily.com

آتش بیرون، آزمون درون

سرنوشت یک ملت در دستان امروز

قادرباستانی‌تبریزی

تجاوز زورگویانه علیه ایران وارد هفته دوم شده است و هنوز چشم‌انداز پایان آن روشن نیست. جنگ فقط روی نقشه‌های نظامی رخ نمی‌دهد. جنگ به ذهن ملت‌ها می‌رود، در حافظه تاریخی آنها می‌نشیند و در لایه‌های عمیق فرهنگ و روان جمعی جامعه جریان پیدا می‌کند. از همین رو شاید یکی از خطاهای بزرگ محاسباتی در جنگی که آمریکا و اسرائیل آغاز کرده‌اند، نادیده‌گرفتن همین لایه‌های معنوی و تاریخی جامعه ایرانی باشد.

«خوان کول»، استاد تاریخ دانشگاه میشیگان، در تحلیلی اشاره می‌کند که ترامپ در حالی با کشوری شیعه وارد جنگ شده که نه شناخت جدی از تشیع دارد و نه از جغرافیای معنوی ایران و نقش مفاهیمی چون شهادت و انتظار در فرهنگ شیعی. در سنت شیعی، ایستادگی در راه آرمان تا مرز شهادت، ارزشی والا تلقی می‌شود و امید به بازگشت امام غایب یکی از عناصر مهم این جهان‌بینی است. بی‌توجهی به چنین منظومه فکری و معنوی، محاسبات سیاسی و نظامی آمریکا را به بیراهه برده است.

اما در کنار این خطای راهبردی در بیرون مرزها، پرسش مهم‌تر در درون جامعه ایران شکل می‌گیرد. جامعه‌ای که در سال‌های اخیر با شکاف‌های اجتماعی، ناامیدی‌های اقتصادی و اختلاف‌های سیاسی روبه‌رو بوده، اکنون در شرایط جنگی چگونه خود را بازتعریف می‌کند؟ برای فهم این وضعیت، باید نقشه اجتماعی ایران پیش از جنگ را بازخوانی کرد. پیش از آغاز این بحران، جامعه ایران را دست‌کم می‌شد در چهار طیف طبقه‌بندی کرد. طیف نخست، حامیان وضع موجود که پیوند سیاسی و هویتی روشنی با نظام دارند و حضورشان در اجتماعات رسمی و مناسبت‌های حمایتی کاملا قابل مشاهده است. این طیف اگرچه شاید اکثریت جامعه را تشکیل ندهد، اما از نظر سازمان‌یافتگی و حضور در صحنه عمومی، صدایی روشن و مداوم دارد.

طیف دوم اما گسترده‌ترین لایه جامعه است. کسانی که با وجود انتقادهای جدی به وضعیت موجود، همچنان اصلاح و تحول را درون جمهوری اسلامی جست‌وجو می‌کنند. این گروه اکثریت جامعه را تشکیل می‌دهد، اما تنوع درونی آن بسیار زیاد است؛ از اصلاح‌طلبان سیاسی تا شهروندانی که صرفا به دنبال بهبود تدریجی شرایط اقتصادی و اجتماعی هستند. صدای این طیف در بسیاری از مواقع کمتر شنیده می‌شود، چون غالبا نه در هیاهوی حمایت‌های پُررنگ حضور دارد و نه در فریادهای رادیکال مخالفت.

طیف سوم کسانی‌اند که از جمهوری اسلامی فاصله گرفته‌اند، اما هنوز به آلترناتیوی مشخص و قابل دسترس نپیوسته‌اند. این طیف در سال‌های اخیر رو به گسترش بوده و بخش قابل توجهی از آنان در نوعی وضعیت تعلیق سیاسی به سر می‌برند. نه امیدی جدی به اصلاحات دارند و نه لزوما خود را در اردوگاه براندازی تعریف کرده‌اند. در نهایت طیف چهارم پهلوی‌گرایان هستند؛ اقلیتی پُرصدا، رادیکال و بسیار فعال در فضای رسانه‌ای که بخشی از آنان هر نوع اقدام خشونت‌آمیز برای تغییر نظام سیاسی را مشروع می‌دانند. در شرایط عادی و غیرجنگی، آرایش این چهار طیف تقریبا روشن بود. طیف اول فعال و حاضر در صحنه، طیف دوم عمدتا نظاره‌گر و طیف سوم و چهارم پُرهیاهو در فضای رسانه‌ای؛ به‌گونه‌ای که گاه تصور می‌شد وزن اجتماعی آنان بیش از واقعیت است.

اما جنگ، قواعد جامعه را تغییر می‌دهد. در شرایط جنگی، بسیاری از مرزهای سیاسی موقتا جابه‌جا می‌شوند. کسانی که تا پیش از این یا خاموش بودند یا صدای انتقادشان بلندتر از صدای حمایتشان بود، در برابر تهدید بیرونی موضعی متفاوت می‌گیرند. بخشی از طیف دوم و حتی طیف سوم در چنین شرایطی علیه جنگ موضع می‌گیرند و نوعی همدلی ملی شکل می‌گیرد که الزاما از سر رضایت از وضع موجود نیست، بلکه از درک خطری بزرگ‌تر برای کشور برمی‌خیزد.

نگرانی اصلی در چنین وضعیتی همواره از سوی طیف چهارم بوده است که ممکن است فضای جنگ را فرصتی برای بی‌ثبات‌سازی و تشدید بحران ببینند. با این حال، دست‌کم تا این لحظه نشانه‌های جدی از چنین سناریویی مشاهده نشده و این خود نشان می‌دهد که جامعه ایران، با وجود همه شکاف‌ها، هنوز ظرفیت‌های عمیقی برای همبستگی دارد.

اگر این جنگ طولانی نشود و زیرساخت‌های حیاتی کشور آسیب جدی نبیند، مهم‌ترین وظیفه سیاست‌گذاران آن است که از این لحظه تاریخی برای بازسازی سرمایه اجتماعی استفاده کنند. جامعه ایران ــ به‌ویژه طیف دوم و سوم ــ در واقع منتظر نشانه‌هایی است که نشان دهد حاکمیت صدای آنان را شنیده و امنیت و کرامتشان را در اولویت قرار داده است. اقدام‌های نمادین در چنین شرایطی می‌تواند تأثیری فراتر از ظاهر خود داشته باشد. مرخصی یا آزادی زندانیان سیاسی یا اجتماعی و نظایر آن می‌تواند پیام روشنی از اعتماد به جامعه باشد. و شاید مهم‌تر از همه، تغییر رویکرد رسانه ملی است که اگر بتواند به جای تریبون یک‌سویه، به میدان گفت‌وگوی ملی تبدیل شود، قادر خواهد بود شکاف‌های اجتماعی را تا حد زیادی ترمیم کند.

تمرکز راهبردی باید بر طیف دوم باشد که نه خواهان سقوط نظام‌اند و نه از وضعیت موجود رضایت کامل دارند. تقویت این گروه، به‌طور طبیعی طیف سوم را نیز به سوی هم‌گرایی سوق می‌دهد و فضای اجتماعی را از قطبی‌سازی دور می‌کند.

البته واقعیت تلخ این است که ما بدون یک تحول جدی در رویکرد و ذهنیت خود، نمی‌توانیم این جنگ و این شر را از سر ایران کم کنیم.

تنها زمانی می‌توانیم داشته‌های ملی خود را حفظ کنیم که در سطح رویکرد تغییر ایجاد شود. یا باید ذهنیت‌ها دگرگون شود، یا کسانی به میدان تصمیم‌گیری بیایند که با رویکردی متفاوت بتوانند راهی تازه برای نجات کشور باز کنند.

تاریخ بارها نشان داده است که حتی در سخت‌ترین لحظه‌ها نیز راهی برای عبور از بحران پیدا می‌شود. مسئله این است که آیا گوش‌ها برای شنیدن این صداها آماده شده‌اند یا نه!

جنگ‌خوانی

ما را چه شده؟

پویانعمت‌الهی

اخیرا کشور امارات هم اعلام کرد با افرادی که تصویر و ویدئو از اصابت‌های جنگی ضبط و پخش می‌کنند برخورد کرده و مجازات زندان در انتظار آنهاست. این وضعیت تقریبا در تمامی کشورهایی که درگیر جنگ هستند برقرار است. مقامات رسمی بارها از مردم درخواست کرده‌اند از تهیه ویدئو و فایل‌های تصویری و صوتی پرهیز کنند. اما به محض اصابت و برخورد و شنیدن صدای انفجار، مردم به‌جای پناه‌گرفتن در مکان امن، بلافاصله به پشت‌بام یا کنار پنجره رفته و تلاش دارند از وضعیت برخوردها ویدئو تهیه کنند.

نباید این تصور را داشت که مردم قصد خاصی (مثلا مقابله‌جویی) دارند. این را باید به حساب نوعی کنجکاوی و نگرانی گذاشت. شکی نیست که در این روزها، شبکه‌های ماهواره‌ای یکی از محل‌های مورد مراجعه شده‌اند. بخشی از این وضعیت را باید ناشی از تباهی مرجعیت رسانه‌ای داخلی دانست که مردم تا این اندازه ترجیح می‌دهند به اخبار آن شبکه‌ها توجه کنند. واقعیت آن است که کاستی‌های متعددی در اطلاع‌رسانی از وقایع مربوط به حملات هوایی دشمن به شهرهای کشورمان وجود دارد. بدیهی است مردم نگران وضع دوستان، خانواده و آشنایان خود در شهرها هستند و می‌خواهند بدانند این اصابت‌ها به کدام محله‌ها بوده است. اما به نظر می‌رسد اطلاع‌رسانی رسانه‌های رسمی نتوانسته این نگرانی را برطرف کند. به همین خاطر است که متأسفانه رسانه‌های معاند همواره ذخیره‌های بزرگی از انواع فایل‌ها، ویدئوها و تصاویر را از محل‌های اصابت در دسترس خود دارند که این نوعی تضعیف روانی در مردم ایجاد می‌کند؛ گویی فقط دشمن در این جنگ مشغول واردکردن خسارت است. در رسانه‌های مزبور به‌ندرت اطلاع‌رسانی تصویری و ویدئویی از اصابت‌های نیروهای مسلح ما به دشمن صورت می‌گیرد. در حقیقت طرف‌های مقابل همواره دست به انتخاب و مدیریت انتشار داده‌های خاصی می‌زنند تا تأییدکننده روایت خاص خود آنها از پیشبرد جنگ باشد. ممنوعیت انتشار این تصاویر البته مورد استقبال مردم آن کشورها هم بوده است. کدام ایرانی توانسته تصاویری با منشأ شهروندان یا رسانه‌های خارجی از وضعیت جنگ در سایر کشورهای درگیر مشاهده کند، جز آنکه رسانه‌های وابسته به آن کشورها منتشرش کرده باشند؟ مردم در نظر بگیرند که این تصاویری که خودشان تهیه می‌کنند، درنهایت سر از جاهایی درمی‌آورد که هدفی جز تضعیف طرف ایرانی ندارند. این درنهایت به ضرر خودمان است و لازم است چنین موضوعی همواره مورد توجه مردم خوب کشورمان قرار داشته باشد. از سوی دیگر با کمال تأسف برخی افراد پیام‌هایی برای رسانه‌های مذکور ارسال کرده و موقعیت نیروها را فاش می‌کنند. به عنوان نمونه اعلام می‌کنند که فلان نیروها به فلان مدرسه یا نقطه عزیمت کرده یا در فلان ناحیه تجمع کرده‌اند. معمولا بناهایی همچون مدرسه یا مسجد نیز با آدرس دقیق مشخص می‌شوند. کاملا ساده‌لوحانه است که گمان شود دشمن نابکار خودش این اتفاقات را نداند اما انتشار عمومی آنها باید به‌مثابه نوعی بازی در زمین دشمن محسوب شود. چه بسیار خون دل‌ها خورده شده تا یک آجر بر آجر دیگر سوار شود و دیواری بالا برود. چه عرق‌ها ریخته شده تا یک کلاس ساخته شود. چه منابع بزرگی از کشور مصروف شده تا یک بنا همچون یک مدرسه ساخته شود. چه رنج‌ها کشیده شده تا آموزگاران و معلمان به مدرسه‌ها بیایند و چه محنت‌ها در کار بوده تا فرزندی به سن رشد برسد و در این مدرسه‌ها تحصیل کند. مگر ساخت این مدرسه‌ها با پول خودمان نبوده است؟ پس چرا به همین راحتی حاضر به نابودی و تخریب سرمایه‌های خودمان می‌شویم؟

متأسفانه تعداد این پیام‌ها هیچ‌گاه کم نمی‌شود. آیا این افراد هیچ توجهی به امنیت خود یا جان شهروندان در مجاورت این بناها ندارند؟ ما را چه شده که این‌چنین به جان، مال و امنیت همسایگان خود بی‌توجه شده‌ایم که حتی درمانگاه و بیمارستان را آماج بغض خود قرار داده‌ایم و خواهان ویرانی آن هستیم؟

فارغ از هر نگاهی که به حاکمیت کشورمان داشته باشیم و در وضعیتی که ارتش‌های تا بن دندان مسلح بالای سر ما جولان می‌دهند، بیش از هر چیز باید حافظ منابع و سرمایه‌های خود باشیم. هیچ‌کس جز خودمان نگران فردای فرزندان ما نیست.

۱۵ میلیارد دلار

فایننشیال‌تایمز در گزارشی اعلام کرده است کشورهای خلیج فارس از زمان آغاز جنگ، ۱۵ میلیارد دلار از درآمد انرژی خود را از دست داده‌اند. از سوی دیگر، اختلال بی‌سابقه‌ای در بازار جهانی سوخت جت پدید آمده و از محدوده معمول ۵- تا ۲+ دلار در هر بشکه به رقم بی‌سابقه ۴۸+ دلار در هر بشکه رسیده است. حدود ۳۰ درصد از واردات سوخت جت اروپا معمولا از خلیج فارس تأمین می‌شود. چندی‌پیش اعلام شد یک تریلیون از بورس آمریکا خارج شده و قیمت نفت برنت با وجود آزادشدن نفت ذخیره به بالای صد دلار رسیده است. همچنین برخی از کارشناسان به مسائلی همچون مشکلاتی در زمینه امنیت غذایی با ادامه این روند اشاره می‌کنند.

ما فرزندان ایرانیم

کودکی

چگونه از جنگ بگوییم؟

یکی از پرسش‌های مهم خانواده‌ها این است که تا چه حد باید درباره جنگ با کودکان صحبت کرد. در روزهای جنگ، کنترل ترس و اضطراب برای بزرگسالان هم دشوار است؛ چه برسد به کودکان که هنوز زبان و ابزارهای کافی برای فهم و بیان احساسات پیچیده را ندارند. در چنین شرایطی، عروسک‌ها و بازی‌های نمایشی می‌توانند به پلی میان دنیای پراضطراب بیرون و احساس امنیت درونی کودک تبدیل شوند؛ پلی که هم به کودک امکان بیان احساسات می‌دهد و هم می‌تواند آموزش‌های ضروری را به شکلی ملایم و بازی‌محور منتقل کند.

از نظر مشاوران کودک عروسک‌ها در شرایط بحرانی می‌توانند مانند یک رابط ارتباطی امن عمل کنند. کودکان اغلب احساسات خود را مستقیم بیان نمی‌کنند، اما می‌توانند آنها را از زبان عروسک بگویند؛ مثلا بگویند: «عروسک من از صدا می‌ترسد» یا «عروسکم نگران است». این شیوه که در روان‌شناسی کودک نیز به‌طور گسترده استفاده می‌شود، به کودک کمک می‌کند بدون احساس شرم یا ترس، احساساتش را بیان کند. در واقع کودک در قالب بازی، داستان خودش را تعریف می‌کند؛ اما از طریق شخصیت دیگری.

البته خانواده‌ها در نظر داشته باشند عروسک وسیله آموزش مستقیم یا نصیحت نیست. عروسک بیشتر ابزاری برای کمک به بیان احساسات و درونیات کودک است. بهتر است والدین به شخصیتی که کودک برای عروسک خود ساخته است احترام بگذارند و احساسات را جدی بگیرند و درباره آن گفت‌وگو کنند. وقتی کودک مضطرب است، پرسیدن مستقیم سؤال‌ها آسان نیست و حتی ممکن است باعث واکنش دفاعی شود. در عوض می‌توان از کودک پرسید: «چرا عروسکت ناراحت است؟» یا «عروسکت از چه چیزی می‌ترسد؟» این شیوه ساده به کودک اجازه می‌دهد در فضایی امن‌تر احساساتش را بیان کند. در واقع فشار گفت‌وگو از روی کودک برداشته می‌شود و او می‌تواند احساسات خود را به شخصیت عروسک نسبت دهد.

از سویی اسباب‌بازی‌ها و عروسک‌ها نباید وسیله‌ای برای انتقال مفاهیم سنگین جنگ باشند. هدف اصلی ایجاد فضایی امن برای طرح پرسش‌هاست. اگر کودک مثلا بپرسد «چرا صدای بلند (بمب) می‌آید؟» می‌توان از زبان عروسک پاسخ داد:

«این صداها به خاطر جنگ است، اما ما در خانه و در جای امن می‌مانیم».

در چنین گفت‌وگوهایی باید توضیحات کوتاه، ساده و متناسب با سن کودک باشد و از بیان جزئیات خشونت‌آمیز پرهیز شود.

گاهی کودکان در بازی با عروسک‌ها صحنه‌های خشنی را بازسازی می‌کنند؛ مثلا جنگ راه می‌اندازند یا خانه‌ها را خراب می‌کنند. کودکان اغلب صحنه‌های ترسناک را در بازی بارها تکرار می‌کنند. این تکرار باعث می‌شود آن واقعه کم‌کم از ابهت و ترسناکی خود بیفتد. با هر بار بازی، ذهن کودک بخشی از تجربه ترسناک را پردازش می‌کند و آن را بهتر می‌فهمد. والدین نباید کودک را در این مواقع سرزنش یا اصلاح کنند.

این بازی‌ها در واقع دریچه‌ای به دنیای درونی کودک هستند. کودک از طریق آنها ترس‌ها و اضطراب‌هایش را پردازش می‌کند. اگر این مسیر بسته شود، کودک ممکن است دیگر نتواند احساساتش را بیان کند. از نظر مشاوران کودک یکی از روش‌های کمک‌کننده در این شرایط، واردکردن نقش‌هایی مانند نیروی امداد، پزشک یا فرشته نجات به بازی است تا عنصر امید و امنیت نیز در داستان بازی حضور داشته باشد. در دنیای واقعی، اتفاقاتی مانند جنگ یا بیماری خارج از کنترل کودک رخ می‌دهد و او احساس ناتوانی می‌کند. اما در بازی، کودک کارگردان داستان است. او می‌تواند تصمیم بگیرد چه کسی پیروز شود، چه کسی نجات پیدا کند و چگونه داستان پایان یابد.

این تغییر نقش از «قربانی منفعل» به «قهرمان فعال» به کودک کمک می‌کند احساس کنترل بیشتری بر محیط خود داشته باشد.

به همین دلیل است که در بازی‌ها می‌توان پایان‌هایی امن و امیدوارکننده ساخت؛ مثلا بازی ساختن یک پناهگاه با بالش‌ها که در آن همه در نهایت به جای امن می‌رسند.

کودک در فضای بازی بدون فشار یاد می‌گیرد؛ چه درباره احساساتش و چه درباره مهارت‌هایی مثل پناه‌گرفتن یا حفظ امنیت.

در روزهایی که جهان بیرون پر از صداهای نگران‌کننده است، شاید ساده‌ترین ابزارها ــ یک عروسک کوچک یا یک بازی داستانی ــ بتوانند برای کودکان همان چیزی باشند که بیش از همه نیاز دارند: احساس شنیده‌شدن، فهمیده‌شدن و امنیت.